

بررسی رابطه بین ادراک تعارض والدینی و سازگاری هیجانی: با میانجی‌گری مهارت‌های اجتماعی و شایستگی رابطه در میان نوجوانان^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۲/۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۱

مرضیه عزیزی^۲، ذبیح الله کاوه فارسانی^{۳*}، مهرداد حاجی حسینی^۴

مقاله پژوهشی

چکیده

مقدمه: نوجوانی یک دوره رشد منحصر به فرد است که با تغییرات و چالش‌های قابل توجهی همراه است. به این ترتیب، حفظ سازگاری هیجانی برای نوجوانان بسیار مهم است، بنابراین هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه بین ادراک تعارض والدینی و سازگاری هیجانی با میانجی‌گری مهارت‌های اجتماعی و شایستگی رابطه بود.

روش: پژوهش حاضر توصیفی و از نوع همبستگی بود که با استفاده از معادلات ساختاری انجام شد. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان نوجوان متوسطه اول و دوم شهرستان شهرکرد بودند که ۳۸۰ نفر از آنان به روش خوشه‌ای تصادفی و براساس ملاک‌های ورود و خروج انتخاب شدند و به پرسش‌نامه‌های ادراک نوجوان از تعارض والدینی گریچ و همکاران (۱۹۹۲)؛ مقیاس مهارت‌های اجتماعی ماتسون و همکاران (۱۹۸۳)؛ مقیاس شایستگی اجتماعی اسمارت و سانسون (۲۰۰۳) و مقیاس سازگاری هیجانی رابو و همکاران (۲۰۰۷) پاسخ دادند. تحلیل آماری داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS26, SmartPLS انجام گرفت.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که اثر مستقیم ادراک تعارض والدینی بر شایستگی رابطه ($\beta = -0.212$)، مهارت‌های اجتماعی ($\beta = -0.397$) و سازگاری هیجانی ($\beta = -0.237$)؛ همچنین رابطه شایستگی بر سازگاری هیجانی ($\beta = 0.09$) و مهارت‌های اجتماعی بر سازگاری هیجانی ($\beta = 0.486$) که در سطح ($P < 0.001$) معنادار است. اثر غیر مستقیم ادراک تعارض والدینی بر سازگاری هیجانی ($\beta = -0.213$) که در سطح ($P < 0.001$) معنادار است. ضریب تعیین مسیر نیز 0.482 بود.

نتیجه‌گیری: با توجه به اهمیت سازگاری هیجانی در دوران نوجوانی توجه به نقش متغیرهایی همچون تعارض والدینی، مهارت‌های اجتماعی و شایستگی رابطه در این دوران حائز اهمیت است.

کلمات کلیدی: ادراک تعارض والدینی، سازگاری هیجانی، مهارت‌های اجتماعی، شایستگی رابطه.

۱. این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول است

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد گروه مشاوره، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران

۳. دانشیار گروه مشاوره، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران. نویسنده مسئول kavehfarsani@sku.ac.ir

۴. دانشیار گروه مشاوره، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران.



Investigating the Relationship Between Perception of the Interparental Conflict and Emotional Adjustment: with the Mediation of Social Skills and Relationship Competence Among Adolescents

Received: 2024/12/31

Accepted: 2025/4/22

Marzaeh Azizi¹, Zabihollah Kaveh Farsani^{2*}, Mehrdad Hajhasani³

Original Article

Abstract

Introduction: Adolescence is a critical developmental period marked by significant psychological and social changes, making emotional adjustment a vital aspect of well-being. This study examined the relationship between adolescents' perception of interparental conflict and their emotional adjustment, with social skills and relationship competence as potential mediators.

Method: This descriptive-correlational study utilized structural equation modeling (SEM). The sample consisted of 380 high school students in Shahrekord, Iran, selected via randomized cluster sampling. Participants completed validated measures: the Children's Perception of Interparental Conflict Scale (CPIC; Grych et al., 1992), the Matson Evaluation of Social Skills with Youngsters (MESSY; Matson et al., 1983), the Social Competence Questionnaire (Smart & Sanson, 2003), and the Emotional Adjustment Scale (Rubin et al., 2007). Data were analyzed using SEM-PLS and SPSS-26.

Results: Results revealed significant direct effects of interparental conflict on relationship competence ($\beta = -0.212$), social skills ($\beta = -0.397$), and emotional adjustment ($\beta = -0.237$). Social skills ($\beta = 0.486$) and relationship competence ($\beta = 0.09$) also directly predicted emotional adjustment (all $p < 0.001$). The indirect effect of interparental conflict on emotional adjustment through mediators was significant ($\beta = -0.213$, $p < 0.001$), with a path coefficient of determination ($R^2 = 0.482$).

Conclusion: The findings underscore the detrimental impact of interparental conflict on adolescents' emotional adjustment and highlight the protective roles of social skills and relationship competence. Interventions aimed at reducing interparental conflict and enhancing adolescents' social competencies may promote emotional well-being during this sensitive developmental stage.

Keywords: Interparental Conflict, Emotional Adjustment, Social Skills, Relationship Competence, Adolescents.

1. Master's student Family Counseling Shahrekord University, Shahrekord, Iran.

2. Associate Professor, Department of Counseling, Shahrekord University, Shahrekord, Iran.

*Corresponding Author: kavehfarsani@sku.ac.ir

3. Associate Professor, Department of Counseling, Shahrekord University, Shahrekord, Iran

مقدمه

نوجوانی دوره‌ای از تغییرات زیستی-روانی و اجتماعی است که در آن رشد شخصیت رخ می‌دهد. این فرآیند ساخت هویت بر بهزیستی روان‌شناختی، سازگاری هیجانی، نحوه برخورد فرد با موقعیت‌های روزمره و استفاده از منابع مختلف نوجوان تأثیر می‌گذارد. در یک مفهوم گسترده، نوجوانی دوران آسیب‌پذیری است، که ممکن است فرد بیشتر در این دوران در معرض مشکلات هیجانی قرار گیرد (مارتین روئیز و همکاران^۱، ۲۰۲۳). از این رو، یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های روانی انسان سازگاری^۲ است، زیرا زندگی یک فرآیند سازگاری است (آکانده و ایکدیاشی^۳، ۲۰۱۸). به گفته گیل^۴ (۲۰۱۴) سازگاری فرآیندی است که از بدو تولد شروع می‌شود و تا زمان مرگ ادامه می‌یابد (گیل، ۲۰۱۴ به نقل از آکانده و ایکدیاشی، ۲۰۱۸). یکی از مهمترین دوران زندگی که در آن سازگاری بسیار اهمیت دارد، نوجوانی است. نوجوانی یک دوره حیاتی رشدی است که با دگرگونی‌های پیچیده مشخص می‌شود (آرجون و همکاران^۵، ۲۰۲۲). نوجوانی دوره‌ای از تغییرات زیستی، روانی-اجتماعی است که در آن رشد شخصیت رخ می‌دهد (دیز فالدون^۶، ۲۰۱۸). در طول این مرحله، نوجوانان هویت خود را می‌سازند و در معرض خطر بیشتری از مشکلات عاطفی و رفتاری (سانچز-گارسیا^۷، ۲۰۱۸) و عوامل استرس‌زای اجتماعی (شوپس و همکاران^۸، ۲۰۲۰) قرار می‌گیرند. از این نظر، نوجوان در این مرحله از چرخه زندگی ممکن است با افزایش مشکلات روانی و سازگاری بیشتری روبرو شود (کامپس و همکاران^۹، ۲۰۱۷). فرآیند ساخت هویت بر بهزیستی روان‌شناختی^{۱۰}، سازگاری هیجانی^{۱۱}، نحوه برخورد فرد با موقعیت‌های روزمره و استفاده از منابع مختلف فردی، تأثیر می‌گذارد (فیلیپیاک و لوبیانکا^{۱۲}، ۲۰۲۱).

سازگاری هیجانی حالت یا فرآیند پذیرش و انطباق فرد با شرایط خود است که ممکن است نیازی به تغییر نگرش و ابراز مناسب احساسات در یک زمینه خاص داشته باشد. حفظ تعادل هیجانی در مواجهه با فشارهای درونی و بیرونی به عنوان سازگاری هیجانی شناخته می‌شود و مکانیسم‌های شناختی همچون پذیرش و سازگاری به این امر کمک می‌کند (سینگ و همکاران^{۱۳}، ۲۰۱۷). این ظرفیت بخش کلیدی از سلامت روان است و زمانی که آسیب ببیند یا توسعه نیابد، می‌تواند منجر به آسیب و بیماری روانی شود. اگر فردی احساسات را در جای مناسب و به روش صحیحی نشان دهد، از نظر هیجانی سازگار است (آرجون^{۱۴}، ۲۰۲۲). فردی که از نظر عاطفی پایدار است ممکن است به خوبی سازگار شود، اما بی‌ثباتی عاطفی باعث مشکلات روانی و ناسازگاری می‌شود. بنابراین سازگاری هیجانی برای رشد شخصیت یک فرد سالم ضروری است (سینگ و همکاران، ۲۰۱۷). سازگاری هیجانی اوج سازگاری شخصیت است و سازگاری‌های فیزیکی، فکری و زیبایی شناختی پس از دستیابی به آن امکان پذیر است. از آنجایی که نوجوانی دوران گذار به یک الگوی جدید زندگی و هنجارهای اجتماعی است، فرد بر روی تعدادی از چالش‌ها و موقعیت‌های کلیدی تمرکز می‌کند و در عین حال تلاش می‌کند تا خود را با سبک زندگی تازه به دست آورده، سازگار کند. بنابراین شکل‌گیری یک رابطه جدید، بسیار مهم است و جنبه اصلی سازگاری اجتماعی است. نوجوانان باید تغییرات اساسی را در زندگی خود ایجاد کنند و از افراد انتظار می‌رود که برای زندگی موفق خود را سازگار کنند (آرجون، ۲۰۲۲). پژوهش‌های بسیاری بر روی

1. Martín-Ruiz et al.
2. Adjustment
3. Akande & Ikediashi
4. Gill
5. Arjun et al.
6. Díaz Falcón et al.
7. Sánchez-García et al.
8. Choeps et al.
9. Compas et al.
10. Psychological well-being
11. Emotional adjustment
12. Filipiak & Lubianka
13. Singh et al.
14. Arjun

عوامل مؤثر بر سازگاری هیجانی انجام شده است که ما در این پژوهش قصد آن را نداریم که بر روی همه این عوامل متمرکز شویم بلکه سعی بر آن است که بر تعدادی از متغیرها در ارتباط با سازگاری هیجانی مانند ادراک تعارض والدینی^۱، شایستگی رابطه^۲ و مهارت‌های اجتماعی^۳ متمرکز شویم که در ادامه به هر یک از این متغیرها خواهیم پرداخت.

یکی از متغیرهای مورد بررسی در این پژوهش تعارض والدینی است. تعارض والدینی بر سر مسائل مربوط به خانواده یا مستقل از خانواده تجربه رایج در هر خانواده است (لانگ و آبل^۴، ۲۰۱۸). تعارض یکی از ویژگی‌های اجتناب ناپذیر تعاملات انسانی است (میسوتنو همکاران^۵، ۲۰۱۷)، و می‌تواند باعث عدم ارتباط در مورد تربیت فرزند یا رفتارهای ناسازگار هر یک از والدین به دلیل اختلاف نظر در شیوه‌های رایج فرزندپروری شود (پالمتاگ^۶، ۲۰۲۲). اختلال عملکرد در روابط زناشویی یا والدینی می‌تواند پیامدهایی در روابط والدین و سازگاری نوجوانانی که در این خانواده‌ها رشد می‌کنند، داشته باشد (لانگ و آبل^۷، ۲۰۱۸؛ مایا و همکاران^۸، ۲۰۲۴). تعارضات و نارضایتی در روابط والدین می‌تواند به زیر سیستم‌های دیگر (به عنوان مثال رابطه والد-نوجوان)؛ در خانواده سرایت کند و در نتیجه خطر تعارضات والدین-فرزند و پیامدهای منفی (مانند سلامتی) برای فرزندان را در ادامه زندگی به همراه خواهد داشت (هارولد و سیلرز^۹، ۲۰۱۸؛ لو و همکاران^{۱۰}، ۲۰۱۹). به عبارتی دیگر تعارض والدینی می‌تواند احساس استرس، ترس یا عصبانیت را در نوجوان ایجاد کند (مایا و همکاران^{۱۱}، ۲۰۲۴). پژوهش‌های دیگر در این زمینه نشان داده است تعارض والدین بر سازگاری اجتماعی و عاطفی نوجوانان تأثیر منفی می‌گذارد (آماتو و سوبولفسکی^{۱۲}، ۲۰۰۱؛ مان و گیلیوم^{۱۳}، ۲۰۰۴). به طور خاص، قرار گرفتن در معرض تعارضات والدینی در دوران نوجوانی به طور قابل توجهی احتمال افسردگی، اضطراب، نگرانی و کناره‌گیری، پرخاشگری و کاهش عزت نفس را در آنان افزایش می‌دهد (اولاتونجی و ایدمودیا^{۱۴}، ۲۰۲۱؛ راس^{۱۵}، ۲۰۰۸؛ ترنر و کوییک^{۱۶}، ۲۰۰۶). پژوهش اولاتونجی و ایدمودیا (۲۰۲۱) نشان داد تمامی ابعاد تعارض والدینی با پرخاشگری نوجوانان همبستگی مثبت و معنادار و تمامی ابعاد تعارض والدینی با سلامت روانی آنان همبستگی منفی و معنادار گزارش شد (اولاتونجی و ایدمودیا، ۲۰۲۱).

یکی از متغیرهایی که در ارتباط با سازگاری هیجانی و تعارض والدینی به عنوان متغیر میانجی در مدل مفهومی این پژوهش در نظر گرفته شده است، مهارت اجتماعی است. مهارت‌های اجتماعی به عنوان رفتارهای قابل قبول و آموخته‌شده اجتماعی که منجر به برقراری ارتباط با دیگران و بهبود کیفیت زندگی می‌شود، تعریف می‌شود (کینزی و همکاران^{۱۷}، ۲۰۲۰؛ به نقل از کریمی عقدا و همکاران^{۱۸}، ۱۴۰۳). توانایی یک فرد برای هدایت موفقیت‌آمیز موقعیت‌های اجتماعی، نقش مهمی در ارتقای سازگاری در مسیر زندگی و بهزیستی روانی در طول زمان ایفا می‌کند. این هدایت موفقیت‌آمیز موقعیت‌های اجتماعی، اغلب مستلزم طیف وسیعی از توانایی‌های شناختی، رفتاری و عاطفی است (لمریس و آرسنیو^{۱۹}، ۲۰۰۰). برای مثال، پاسخ‌دهی اجتماعی مستلزم پردازش دقیق اطلاعات اجتماعی (شناختی)، گفتگو و تعامل مناسب (رفتاری) و تنظیم احساسات (هیجانات) مؤثر است. به این

1. Parental conflict
2. Relationship competence
3. Social skills
4. Láng & Abell
5. Missotten et al.
6. Lisa Palmtag
7. Maya et al.
8. Harold & Sellers
9. Low et al.
10. Amato & Sobolewski
11. Mann & Gilliom
12. Olatunji & Idemudia
13. Ross
14. Turner & Kopiec
15. Lemerise & Arsenio

ترتیب، روشن است که مهارت‌های اجتماعی شامل طیف گسترده‌ای از مؤلفه‌ها است که پایه و اساس روابط مثبت را تشکیل می‌دهد، که به سازگاری روان‌شناختی در طول عمر کمک می‌کند (کامپر-دمارکو و همکاران^۱، ۲۰۲۰). در دوران نوجوانی، دوستی‌های صمیمی و نزدیک در کانون توجه قرار می‌گیرند، زیرا نوجوانان زمان بیشتری را با دوستان در مقایسه با دیگران (مثلاً والدین) می‌گذرانند و تأثیر همسالان در قوی‌ترین حد خود است (لودر و همکاران^۲، ۲۰۱۷). در عین حال، نوجوانان در حال شکل‌گیری هویت خود هستند؛ در نتیجه توسعه مهارت‌ها و حفظ آنها در ارتباط با همسالان برای سازگاری هیجانی نوجوانان حیاتی است. در واقع، زمانی که افراد مهارت‌های اجتماعی مناسبی را از خود نشان می‌دهند (مثلاً اجتماعی بودن)، به احتمال زیاد دوستی‌های پایداری خواهند داشت (بوکر و همکاران^۳، ۲۰۰۶). علاوه بر این، مهارت‌های اجتماعی مورد نیاز برای حفظ و حمایت از دوستی‌ها با کیفیت بالا (مانند ارتباطات حمایتی)، اغلب به رفتار اجتماعی بیشتر و حسادت کمتر کمک می‌کند، که می‌تواند در برابر علائم درونی (مانند اضطراب، افسردگی و غیره) محافظت کند (مانند پارکر و همکاران^۴، ۲۰۰۵). نداشتن دوست یا داشتن دوستی‌های مشکل ساز به طور مداوم با سازگاری منفی مرتبط است (به عنوان مثال، مشکلات درونی و بیرونی، روبین و همکاران^۵، ۲۰۰۶). نوجوانانی که رفتار بی‌نظم یا پرخاشگرانه از خود نشان می‌دهند، بیشتر در روابط با همسالان دست و پنجه نرم می‌کنند و متعاقباً مشکلات سازگاری هیجانی بیشتری را تجربه می‌کنند (کامپر-دمارکو و همکاران، ۲۰۲۰). به این ترتیب، مهارت‌های اجتماعی با تقویت احساس ارزشمندی و خودپنداره به سازگاری مثبت نوجوانان کمک می‌کند (کانولی و مک‌ایزاک^۶، ۲۰۰۹)؛ زیرا نوجوانانی با چالش‌ها و استرس‌های خاصی در این دوران در روابط و ارتباطات با دوستان مواجه می‌شوند که می‌تواند منجر به سازگاری هیجانی مشکل ساز از جمله مصرف مواد، رفتار انحرافی، افسردگی، اضطراب، و اختلال در غذا خوردن شود (کالیبی و فورمن^۷، ۲۰۱۵؛ داویلا^۸، ۲۰۰۸؛ استار و همکاران^۹، ۲۰۱۲). یکی از دلایل احتمالی این سازگاری هیجانی مشکل ساز این است که نوجوانان اولیه مهارت‌های اجتماعی پیچیده‌ای برای مدیریت این روابط اجتماعی پیچیده با همسالان ندارند.

در ارتباط بین تعارض والدینی و مهارت‌های اجتماعی نیز می‌توان گفت مشاجرات و تعارضات بخشی اجتناب‌ناپذیر از زندگی خانوادگی هستند و تعارضات والدین یکی از مهم‌ترین عوامل والدین محور است که بر محیط خانه کودکان و نوجوانان تأثیر منفی می‌گذارد (هوسوکاوا و کاتسورا^{۱۰}، ۲۰۱۷). مطابق با نظریه مدل کار^{۱۱}، نظریه یادگیری اجتماعی^{۱۲} (بندورا^{۱۳}، ۱۹۸۹؛ بارهال^{۱۴} و همکاران، ۱۹۸۱)، به طور کلی تر نحوه شکل دادن والدین به رشد و رفتار فرزندشان در نظریه یادگیری اجتماعی بیان شده است. نوجوانان از طریق ارتباط با والدین، تقلید از آنها و واکنش به رفتار و نگرش آنها از والدین خود یاد می‌گیرند (بیلمان^{۱۵} و همکاران، ۲۰۲۳). در نتیجه مشاهده و تمرین مهارت‌های اجتماعی و رفتار حل تعارض در محیط خانواده منجر به تعدادی فرصت یادگیری می‌شود. از این رو، نوجوانانی که والدینی با سابقه تعارض زناشویی زیادی دارند، فرصت کمتری برای مشاهده و یادگیری مهارت‌های اجتماعی مثبت و رفتار حل تعارض مرتبط با روابط رضایت‌بخش و طولانی مدت دارند. در نتیجه این نوجوانان احتمالاً رفتاری‌های

1. Kamper-DeMarco et al
2. Lodder et al.
3. Bowker et al
4. Parker et al.
5. Rubin et al.
6. Connolly & McIsaac
7. Collibee & Furman
8. Davila
9. Starr et al
10. Hosokawa & Katsura
11. Work model theory
12. Social learning theory
13. Bandura
14. Barhal
15. Beelmann et al

بین فردی را یاد می‌گیرند و باورهایی در آنان ایجاد می‌شود که خطر بی‌ثباتی یا تعارض را در روابط بعدی آن‌ها افزایش می‌دهد. نوجوانی به طور خاص به عنوان زمان مهمی برای یادگیری، رشد و حفظ مهارت‌های اجتماعی شناخته شده است (هس، ۲۰۲۲). اثرات داشتن مهارت‌های اجتماعی ناکافی با افزایش سن برجسته‌تر می‌شود. شایستگی درک شده نوجوانان در روابط با همسالان تحت تأثیر مهارت‌های اجتماعی آن‌ها است. به عنوان مثال، نتایج پژوهش‌ها حاکی از همبستگی مورد انتظار بین اضطراب برای انجام کار، فراوانی انجام مهارت‌های اجتماعی، احساس عمومی خود ارزشی و پذیرش اجتماعی است. از این‌رو، نوجوانان فاقد مهارت‌های اجتماعی، فرصت کمتری برای توسعه چنین مهارت‌هایی در روابط خواهند داشت که در نتیجه احساس کارآمدی اجتماعی‌اش به طور کلی کاهش می‌یابد (هس، ۲۰۲۲). به دلیل انتقال‌های اجتماعی متعددی که مشخصه اواخر نوجوانی است، تأثیر تعارض والدینی بر واکنش‌های عاطفی و شناختی-اجتماعی ممکن است در این مرحله از زندگی مشهودتر باشند (دیوید و مورفی، ۲۰۰۴). پژوهشی همچنین نشان می‌دهد که نوجوانانی که در معرض اختلال عملکرد بین فردی والدین خود قرار می‌گیرند ممکن است اضطراب بیشتری را در مورد مشارکت در روابط اجتماعی خود تجربه کنند و از مشارکت در روابط خود اجتناب کنند. ناتوانی درک شده نوجوانان متأخر در شرکت در تعاملات اجتماعی خارج از خانواده باعث افزایش احساس تنهایی آن‌ها می‌شود (راس، ۲۰۰۸). در این زمینه می‌توان گفت نوجوانان نه تنها عبارات عاطفی بزرگسالان را مشاهده می‌کنند و از آن‌ها می‌آموزند بلکه از تلاش آن‌ها برای تنظیم احساسات خود نیز یاد می‌گیرند (زینسر و همکاران، ۲۰۲۱).

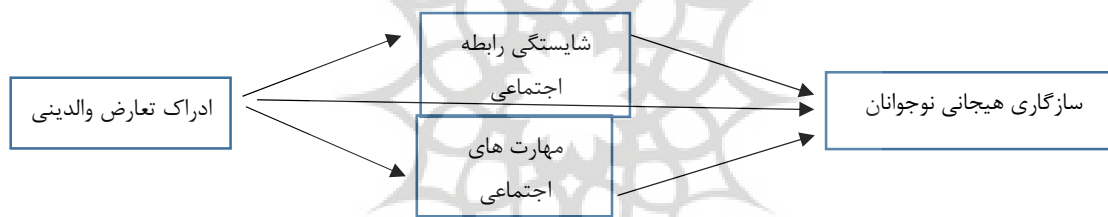
متغیر دیگری که در ارتباط سازگاری هیجانی و تعارض والدینی به عنوان دیگر متغیر میانجی در نظر گرفته شد شایستگی رابطه است. شایستگی رابطه، الگوهای از رفتارهای اجتماعی هستند که به افراد برای مذاکره و عملکرد مؤثر در روابط همسالان و سایر افراد و رسیدن به اهداف خاص در موقعیت‌های اجتماعی کمک می‌کنند. نشانگرهای ثابت در عملیاتی کردن شایستگی رابطه شامل توانایی ایجاد و حفظ دوستی‌ها، تقویت محبوبیت و پذیرش اجتماعی و توسعه مهارت‌ها در ارتباط با همسالان است (هابر و همکاران، ۲۰۱۹؛ به نقل از باباخانی و پرندین، ۱۴۰۲؛ آدامچیک و پیلارسکا، ۲۰۱۲). بنابراین، شایستگی رابطه ممکن است به عنوان توانایی انجام رفتار در موقعیت اجتماعی، ایجاد یا حفظ پیوندها از طریق (۱) افزایش تمایل به برقراری یک ارتباط (۲) برانگیختن همدردی، علاقه، تسهیل افشای متقابل (۳) توانایی در نظر گرفتن دیدگاه دیگران در مورد یک موقعیت و (۴) یادگیری از تجربیات گذشته و به کارگیری آن یادگیری در تعاملات اجتماعی در نظر گرفته شود (آدامچیک و پیلارسکا، ۲۰۱۲؛ احمد و امین، ۲۰۱۹).

در همین راستا، تئوری‌های تنظیم هیجان بر ماهیت انطباقی توانایی تنظیم پریشانی، حفظ و حس منسجم و مثبت از خود تأکید دارند. به طور کلی، تنظیم هیجان شامل توانایی تجربه و بیان طیفی از احساسات و تعدیل آن به روش‌های مناسب آن زمینه است. در تنظیم ضعیف هیجان به عنوان مثال افراط در تجربه یا بیان عاطفی (بیش از حد یا محدود)، احساسات نامناسب با شرایط و یا عدم هماهنگی عاطفی (با خود و یا دیگران) نشان داده می‌شود (تورل و گنتاز، ۲۰۱۸). توانایی سازگاری خود و احساسات در پاسخ به تجارب رابطه (مثلاً تحمل نتایج نامطلوب، کنترل نشخوار فکری، حفظ عزت نفس، تعادل فردیت و صمیمیت)، همگی از جنبه‌های عملکردی است که به عنوان مؤلفه‌های شایستگی رابطه تعبیر شده‌اند. نوجوانانی که والدین‌شان از ازدواج خود ناراضی هستند، تعارضات زیادی دارند، رضایت کمتری را والدین آنان گزارش می‌دهند ممکن است نگرش‌های

1. Hess
2. David & Murphy
3. Zinsser et al
4. Huber et al
5. Adamczyk & Pilarska
6. Theurel & Gentaz

ناسازگاری در نوجوانان ایجاد کند و در یادگیری مهارت‌های لازم برای شایستگی رابطه در زندگی خود شکست بخورند (داویلا^۱ و همکاران، ۲۰۰۹).

بنابراین با توجه به آنچه گفته شد، نوجوانی دوره رشد سازگاری هیجانی است که برای عملکرد حال حاضر و دوران بزرگسالی بسیار مهم است (مولرینی^۲ و همکاران، ۲۰۲۱). از این‌رو، روان‌شناسان خطرات و عوامل حفاظتی متعددی از جمله فرایندهای خانوادگی (تانی و همکاران^۳، ۲۰۱۷)، روابط با همسالان، محیط اجتماعی و ویژگی‌های شخصی (میلر اسلاو^۴ و همکاران، ۲۰۲۰) را توصیف کرده‌اند که برای سازگاری روانی-اجتماعی نوجوانان مهم است. محیط خانواده اولین محیطی است که الگوهای جسمی، عاطفی و شخصیتی فرد در آن پی‌ریزی می‌شود و نقش مهمی در تعالی و پیشرفت او ایفا می‌کند. محیط خانواده به عنوان مهمترین عامل در اجتماعی شدن کودک و نوجوان و عامل کلیدی مؤثر بر نگرش‌ها و رفتارهای آنان شناخته می‌شود (چنگ^۵ و همکاران، ۲۰۲۴). جامعه‌پذیری و مسئولیت توسط سه مکانیسم تقلید، تلقین و آموزش محقق می‌شود، این مکانیسم‌ها در گذر از رفتارها، کنش‌ها و گفت و گوی والدین با فرزندان صورت می‌گیرد. فقدان آزادی عمل، مشورت و ارتباطات کلامی باعث می‌شود که از عزت نفس شخص کاسته شده و فرد در جامعه‌پذیری و قبول مسئولیت با مشکل مواجه شود. لذا انجام یک پژوهش در جهت شناخت عوامل مؤثر بر سازگاری هیجانی نوجوانان دارای اهمیت و ضرورت پژوهشی است. از این‌رو، با توجه به موارد گفته شده همانطور که در شکل ۱ مشخص است این پژوهش بر آن است که به این سؤال پاسخ دهد آیا مهارت‌های اجتماعی و شایستگی رابطه اجتماعی می‌تواند در رابطه بین ادراک تعارض والدین و سازگاری هیجانی در نوجوانان نقش میانجی داشته باشد؟ شکل ۱ مدل مفهومی این پژوهش را در رابطه با مباحث مطرح شده نشان می‌دهد.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

روش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی-همبستگی با استفاده از معادلات ساختاری بود. جامعه آماری پژوهش را کلیه دانش‌آموزان مقطع دبیرستان دوره اول و دوم (دخترانه و پسرانه) شهرستان شهرکرد برابر با ۲۲۴۵۰ نفر در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ تشکیل دادند. برای تعیین حجم نمونه لازم برای معادلات ساختاری معمولاً از قوانین سرانگشتی، محاسبه آنالاین و نرم افزارهای تعیین حجم نمونه استفاده می‌شود. در پژوهش حاضر حجم نمونه با استفاده از نرم افزار G*Power و با در نظر گرفتن آلفای استاندارد ۰/۰۵، اندازه اثر متوسط ۰/۰۸ به اندازه ۳۴۱ نفر تعیین شد که به دلیل احتمال وجود پرسش‌نامه‌های مخدوش به ۳۹۰ نفر افزایش یافت. روش نمونه‌گیری در این پژوهش با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی انجام شد. بدین صورت که از بین تمامی دبیرستان‌های دوره اول و دوم شهرستان شهرکرد، ۸ دبیرستان دخترانه و ۸ دبیرستان پسرانه به صورت تصادفی انتخاب و از هر مدرسه سه کلاس

1. Davila et al
2. Mulraney et al
3. Tani et al
4. Miller-Slough et al
5. Cheng et al

به شیوه تصادفی با توجه ملاک‌های ورود که عبارتند از (۱) دانش‌آموز مقطع اول و دوم دوره دبیرستانی (۲) ساکن شهرستان شهرکرد بودن (۳) تمایل داشتن به شرکت در پژوهش و شرایط خروج، عدم تمایل به شرکت در پژوهش و پاسخ ندادن به اکثر سؤالات پرسش‌نامه‌ها تعیین گردیده بود، انتخاب شدند. برای رعایت اصول اخلاقی در ابتدا مواردی از جمله دادن آگاهی در مورد پژوهش، نحوه اجرا، اصل رازداری، حق انتخاب همکاری و حق انصراف در حین پاسخ دادن به سؤالات پرسش‌نامه در ابتدا و برای آزمودنی‌ها به طور کامل در سر کلاس‌ها و در همان ابتدا شرح داده شد و از آنان خواسته شد در صورتی که با توجه به موارد گفته شده حاضر به همکاری در این پژوهش هستند اعلام آمادگی نمایند و در صورتی که به هر دلیلی حاضر به شرکت در این پژوهش نیستند اعلام کنند و سپس پرسش‌نامه‌ها بین آنان توزیع شد. لازم به ذکر است برای اطمینان از اینکه داده‌ها در موقع تجزیه و تحلیل کمتر از حداقل نمونه محاسبه شده نباشد، پژوهشگران ۳۹۰ پرسش‌نامه بین آزمودنی‌ها توزیع کردند که در هنگام بررسی ۱۰ پرسش‌نامه با وجود اینکه پژوهشگر هم تاکید زیادی به پاسخ دادن به کل پرسش‌نامه بارها داشت اما اکثر سؤالات بی پاسخ مانده بود که از روند تجزیه و تحلیل کنار گذاشته شد و تحلیل داده‌ها با ۳۸۰ پرسش‌نامه صورت پذیرفت. سطح توصیفی جهت سنجش متغیرهای پژوهش از میانگین و انحراف معیار استفاده شد. در سطح استنباطی جهت بررسی روابط بین متغیرها از ضریب همبستگی پیرسون و مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. نرم افزار تحلیل داده‌ها برنامه SmartPLS, SPSS26 بود.

ابزارهای پژوهش

(الف) مقیاس ادراک نوجوان از تعارض بین والدین (CPIC): این مقیاس توسط گریچ و همکاران^۱ (۱۹۹۲) در ۵۱ گویه در طیف لیکرت ۳ درجه‌ای از درست (۲)، گاهی اوقات درست (۱) و غلط (۰) و در دامنه نظری نمره‌های ۰ الی ۱۰۲ طراحی شد. این مقیاس بر مبنای الگوی چارچوب شناختی مبتنی بر بافت، برای سنجش نحوه نگرش یا ادراک نوجوانان به تعارضات بین والدینی ساخته شد. گریچ و همکاران (۱۹۹۲) روایی این مقیاس را به روش آزمون-باز آزمون در طی دو هفته بر روی نمونه کوچکی از نوجوانان (۴۴ نفر) برای سه زیر مقیاس تعارض = ۰/۷۰، تهدید = ۰/۶۸ و سرزنش خود = ۰/۷۶ و پایایی به روش آلفای کرونباخ برای عامل‌های مختلف بین ۰/۶۱ تا ۰/۸۳ گزارش کردند (گریچ و همکاران، ۱۹۹۲). در ایران، صلواتی و شکری (۱۳۹۴) همبستگی مثبت و معنادار بین تعارض و افسردگی بک نسخه کودکان ($r = 0.10$, $P < 0.05$) گزارش کردند که نشان از روایی همگرایی این مقیاس بود. پایایی این مقیاس با روش آلفای کرونباخ برای عامل‌های (ویژگی‌های تعارض = ۰/۷۷، تهدید = ۰/۶۱ و سرزنش خود = ۰/۸۴) گزارش شد. در این پژوهش از نمره کل این مقیاس استفاده شد و ضریب پایایی با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۳ گزارش می‌شود.

(ب) مقیاس مهارت‌های اجتماعی (MESSY): این مقیاس توسط ماتسون و همکارانش^۲ (۱۹۸۳) در ۵۶ گویه در طیف لیکرت ۵ درجه‌ای از هرگز (۱) تا همیشه (۵) برای سنجش سواد اجتماعی افراد ۴ تا ۱۸ ساله ساخته شد. این مقیاس مهارت‌های اجتماعی مناسب، رفتارهای غیر اجتماعی، پرخاشگری، برتری طلبی و رابطه با همسالان را اندازه‌گیری می‌کند. نمرات بالاتر در هر بعد نشان دهنده مهارت اجتماعی بالاتر در آن بعد خواهد بود و برعکس. حداقل و حداکثر نمره برای کل مقیاس برابر با ۵۶ تا ۲۸۰ است. ماتسون و همکاران (۱۹۸۳) روایی این مقیاس را بر اساس روش تصنیف یا دو نیمه کردن آزمون برابر با ۰/۷۸ گزارش و همچنین تئودورو و همکاران (۲۰۰۵) پایایی این مقیاس با استفاده از آلفای کرونباخ بین ۰/۸۷ تا ۰/۷۴ و کل مقیاس را ۰/۸۵ گزارش دادند (تئودورو و همکاران، ۲۰۰۵). در ایران یوسفی و خیر (۱۳۸۱) برای تعیین روایی سازه این مقیاس، از روش آماری تحلیل عاملی

1. children perception of the interparental conflict scale
2. Grych et al
3. Matson Evaluation of Social Skills with Youngsters
4. Matson et al
5. Teodoro et al

استفاده کردند. تحلیل عوامل ابتدا با استفاده از شیوه مؤلفه اصلی صورت گرفت. مقدار ضریب KMO برابر با ۰/۸۶ بود و بیانگر کفایت نمونه آزمودنی‌ها به منظور انجام تحلیل عاملی می‌باشد. همچنین مقدار آزمون کروییت بارتلت برابر با ۱۰۴۳۳/۲۹۸ و در سطح $P = ۰/۰۰۱$ معنی‌دار بود (یوسفی و خیر، ۱۳۸۱ به نقل از حجتی و همکاران، ۱۴۰۱). حجتی و همکاران (۱۴۰۱) پایایی به روش آلفای کرونباخ برای مؤلفه‌های کل مقیاس ۰/۸۰ گزارش کردند. در پژوهش حاضر با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ضریب پایایی کل مقیاس ۰/۹۱ برآورد شد.

ج) مقیاس شایستگی اجتماعی^۱ (SCQ): پرسش‌نامه شایستگی اجتماعی توسط اسمارت و سانسون^۲ (۲۰۰۳) در ۱۷ آیتم و ۵ زیر مقیاس شامل جرأت‌ورزی، همکاری، همدلی، مسئولیت‌پذیری و خود کنترل طراحی شد. پاسخ‌دهندگان به این مقیاس در یک طیف لیکرت ۵ درجه‌ای از هرگز تا همیشه پاسخ می‌دهند. اسمارت و سانسون (۲۰۰۳) به‌منظور بررسی روایی سازه پرسش‌نامه از روش تحلیل عاملی تأییدی استفاده کرد که نتایج در تمامی شاخص‌ها بیانگر نیکویی برازش الگو بوده است. همچنین ضریب پایایی این پرسش‌نامه را آنان در دامنه ۰/۶۰ تا ۰/۷۸ گزارش کردند. در ایران روایی سازه این پرسش‌نامه در پژوهش کیانی (۱۳۹۴) بر اساس مدل تأییدی برای تمام شاخص‌ها ۰/۸۱ گزارش شد (کیانی، ۱۳۹۴ به نقل از کرسوی و صدوقی، ۱۳۹۴). همچنین در پژوهش کرسوی و صدوقی (۱۳۹۹) مقدار آلفای کرونباخ این پرسش‌نامه ۰/۸۰ گزارش شد. در پژوهش حاضر پایایی این پرسش‌نامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۹۱ برآورد شد.

د) مقیاس سازگاری هیجانی^۳ (EAS): این پرسش‌نامه توسط رایبو و همکاران^۴ (۲۰۰۷) در ۲۸ گویه و در دو زیر مقیاس به نام‌های فقدان نظم بخشی انگیزشی‌های هیجانی و فیزیولوژیک و ناامیدی و تفکر آزمندانه در یک طیف لیکرت ۶ درجه‌ای از کاملاً موافقم (۱) تا کاملاً مخالفم (۶) طراحی شد. رایبو و همکاران (۲۰۰۷) نتایج پراکندگی مشترک بین اندازه‌های مقیاس سازگاری هیجانی با اندازه‌های فهرست شخصیت ایزنگ (۱۹۷۵) و پرسش‌نامه پنج عامل کاپرارا و همکاران (۱۹۹۳) از روایی همگرایی این مقیاس به صورت تجربی حمایت کرد. همچنین ضریب همسانی درونی مقیاس سازگاری هیجانی را آنان ۰/۸۹ گزارش دادند. در ایران شکری و همکاران (۱۳۹۵) به منظور بررسی روایی از روایی سازه استفاده کردند که نتایج مربوط به همبستگی بین ابعاد سازگاری هیجانی با زیرمقیاس‌های واکنش‌پذیری نسبت به استرس ادراک‌شده و نیمرخ سبک زندگی ارتقا دهنده سلامت، به‌طور تجربی از روایی سازه این مقیاس حمایت کرد. همچنین آنان ضرایب همسانی درونی را ۰/۹۱ گزارش کردند. در پژوهش حاضر پایایی این پرسش‌نامه با استفاده از آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۹۲ گزارش می‌شود.

یافته‌ها

جدول ۱. یافته‌های جمعیت شناختی

متغیر	میانگین
جنسیت	۵۳/۹
	۴۶/۱
مقطع تحصیلی	۲۸/۱
	۷۱/۹
میانگین سن (سال)	۱۵/۹۶
میانگین معدل	۱۸/۳۹
میانگین تعداد اعضای خانوار	۴/۴۳

1. Social Competence Questionnaire
2. Smart & Sanson
3. Emotional Adjustment Scale
4. Rubin et al.

در جدول ۱. یافته‌های جمعیت شناختی نمونه پژوهش حاضر آورده شده است.

جدول ۲. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش پاسخ دهندگان

نام متغیر	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
شایستگی رابطه	۳/۶۷	۰/۵۴۰	۱/۹۴	۵/۰۰
ادراک تعارض بین والدین	۱/۶۵	۰/۲۳۰	۱/۱۹	۲/۴۶
مهارت‌های اجتماعی	۳/۸۰	۰/۴۶۰	۲/۱۶	۴/۹۸
سازگاری هیجانی	۳/۶۶	۰/۹۷۰	۱/۳۹	۵/۶۴

جدول ۲. شاخص آمار توصیفی را برای هر یک از متغیرهای پژوهش نشان می‌دهد. نتایج حاکی از آن است که میانگین «شایستگی رابطه»، «ادراک تعارض بین والدین»، «مهارت‌های اجتماعی» و «سازگاری هیجانی» به ترتیب برابر ۳/۶۷، ۱/۶۵، ۳/۸۰ و ۳/۶۶ بوده است.

مدل پژوهش با استفاده مدل‌سازی معادلات ساختاری مورد بررسی قرار گرفت. مدل‌سازی معادلات ساختاری^۱ (SEM) ترکیبی از روش‌های چند متغیره آماری است که امکان بررسی ارتباطات میان چندین متغیر را بطور همزمان فراهم می‌سازند. دو رویکرد مهم در مورد SEM، مدل‌سازی مبتنی بر کواریانس (CB) و مدل‌سازی بر اساس حداقل مربعات جزئی^۲ (PLS) است. رویکرد PLS در بسیاری از موارد کاربردی‌تر از رویکرد CB است. به طور مثال زمانی که تعداد متغیرها نسبت به تعداد داده‌ها در مدل زیاد است یا نقش میانجی مورد بررسی قرار می‌گیرد، رویکرد PLS پیشنهاد می‌شود از این رو از این مدل‌سازی در این پژوهش استفاده شد. در ادامه جدول ۳. همبستگی و شاخص AVE (ماتریس فورنل و لارکر) آمده است.

جدول ۳. همبستگی و شاخص AVE (ماتریس فورنل و لارکر)

نام متغیر	شایستگی رابطه	ادراک تعارض بین والدین	مهارت‌های اجتماعی	سازگاری هیجانی	شاخص AVE
شایستگی رابطه	۰/۷۲۵				۰/۵۲۵
ادراک تعارض بین والدین	-۰/۲۳۴***	۰/۷۲۸			۰/۵۳۱
مهارت‌های اجتماعی	۰/۴۷۹***	-۰/۴۰۸***	۰/۷۷۲		۰/۵۹۷
سازگاری هیجانی	۰/۳۷۴***	-۰/۴۵۶***	۰/۶۲۶***	۰/۷۴۵	۰/۵۵۸
***معنی داری در سطح ۰/۰۰۱ **معنی داری در سطح ۰/۰۱ *معنی داری در سطح ۰/۰۵					

نتایج همبستگی و ماتریس فورنل و لارکر در جدول ۳ آمده است. جهت بررسی روایی واگرایی مدل اندازه‌گیری، از معیار فورنل-لارکر استفاده گردیده است. بر اساس این معیار، روایی واگرایی قابل قبول یک مدل حاکی از آن است که یک سازه در مدل، نسبت به سازه‌های دیگر تعامل بیشتری با شاخص‌هایش دارد. فورنل و لارکر (۱۹۸۱) بیان می‌کنند؛ روایی واگرایی وقتی در سطح قابل قبولی است که میزان جذر AVE برای هر سازه بیشتر از واریانس اشتراکی بین آن سازه و سازه‌های دیگر در مدل باشد. بررسی این امر به وسیله ماتریسی حاصل می‌شود که خانه‌های این ماتریس حاوی مقادیر ضرایب همبستگی بین سازه‌ها و جذر مقادیر AVE مربوط به هر سازه است. براساس نتایج به‌دست‌آمده از همبستگی‌ها و جذر AVE که بر روی قطر جدول ۳ قرار داده شده می‌توان روایی واگرایی مدل در سطح سازه را از نظر معیار فورنل-لارکر نتیجه گرفت. همچنین در جدول ۳ روایی

1. Structural Equation Modeling

2. Partial Least Square

همگرا مدل اندازه‌گیری ارائه شده است. روایی همگرا معیار دیگری است که برای برازش مدل‌های اندازه‌گیری در روش مدل‌سازی معادلات ساختاری بکار برده می‌شود. فورنل و لارکر (۱۹۸۱) استفاده از متوسط واریانس استخراج‌شده (AVE) را به‌عنوان معیاری برای اعتبار همگرا پیشنهاد کرده‌اند. معیاری که حد مطلوب آن بیش‌تر یا مساوی ۰/۵ می‌باشد. همان‌طوری که در جدول ۳ ملاحظه می‌گردد نتایج، نمایانگر مناسب بودن معیار روایی همگرا (AVE) می‌باشد.

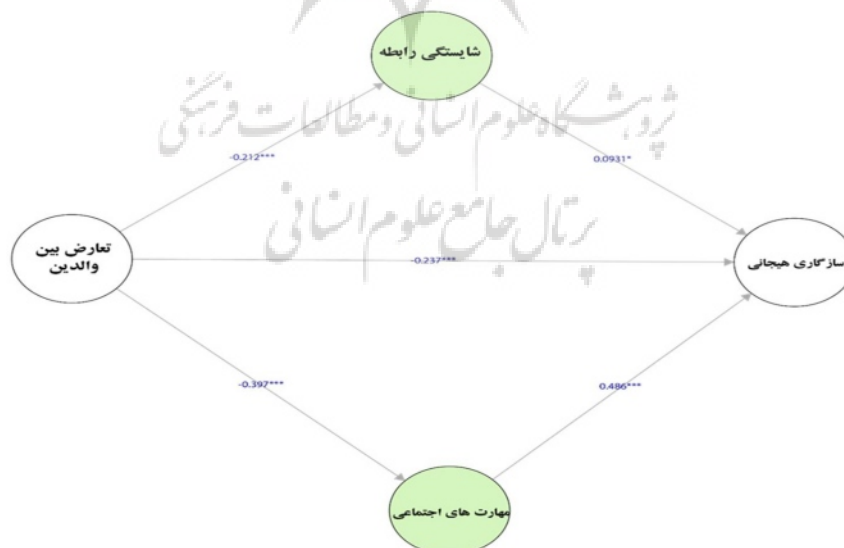
برازش مدل به منظور بررسی فرضیه‌های اصلی پژوهش

پس از بررسی شاخص‌های اولیه جهت برازش مناسب مدل، در این بخش مدل پژوهش برازش داده می‌شود. پیش از آن در جدول ۴ شاخص‌های نیکویی برازش مدل پژوهش آمده است. نتایج حاکی از برازش مناسب مدل با توجه به معیارهای برآورد یابی دارد. زیرا در تمامی شاخص‌های نیکویی برازش در حد قابل قبولی قرار دارد.

جدول ۴. شاخص‌های برازش مدل

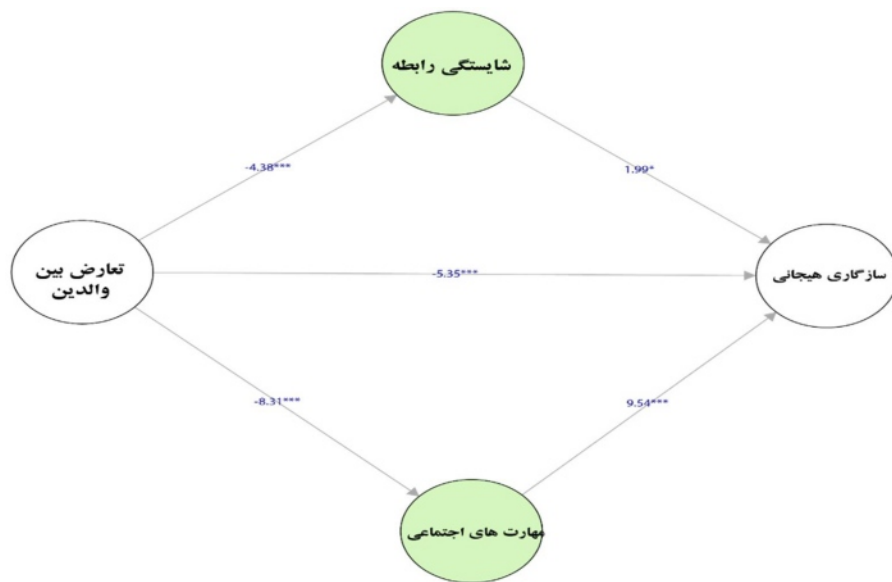
مقدار	نام شاخص
۰/۳۴۷	GOF (نیکویی برازش)
۰/۴۸۲	میانگین R Square (ضریب تعیین)
۰/۳۲۵	میانگین RMSE (میانگین ریشه مربعات خطای پیش‌بینی)
۰/۱۵۹	میانگین MAE (میانگین خطای مطلق متوسط)
۰/۰۰۰	میانگین ME (میانگین خطای برآورد)
۰/۴۱۱	Q ² (ضریب تعیین پیش‌بینی)

پس از تأیید مطلوبیت شاخص‌های نیکویی برازش، شکل ۱ و شکل ۲ مدل برازش شده پژوهش را بر اساس مدل‌سازی معادلات ساختاری نشان می‌دهد. در شکل ۱، ضرایب مدل نشان می‌دهد که رابطه بین متغیرها که ارتباط ادراک تعارض والدین با سایر متغیرها منفی و رابطه شایستگی رابطه، مهارت‌های اجتماعی و سازگاری با یکدیگر رابطه مثبت بوده است. نتایج بدست در شکل ۲، نشان می‌دهد که برای تمامی رابطه‌ها آماره t بیش از ۱/۹۶ بوده است.



***معنی داری در سطح ۰/۰۰۱ **معنی داری در سطح ۰/۰۱ *معنی داری در سطح ۰/۰۵

شکل ۲. دیاگرام مسیر مدل پژوهش (بار عاملی)



***معنی داری در سطح ۰/۰۰۱ **معنی داری در سطح ۰/۰۱ *معنی داری در سطح ۰/۰۵

شکل ۳. دیاگرام مسیر مدل پژوهش (آماره t)

نتایج رابطه بین متغیرهای پنهان که در شکل ۲ و شکل ۳ آمده به همراه آماره t در جدول ۵ جهت بررسی فرضیه‌های برآمده از مدل پژوهش آمده است

جدول ۵. نتایج مدل پژوهش برای بررسی رابطه بین متغیرها

رابطه	شاخص هم خطی (VIF)	ضریب (اثر مستقیم)	ضریب (اثر غیرمستقیم)	اندازه اثر	آماره t	P-مقدار
ادراک تعارض والدینی ← شایستگی رابطه	۱/۰۰	-۰/۲۱۲	-۰/۲۱۲	۰/۲۴۵	-۴/۳۸	۰/۰۰۰
ادراک تعارض والدینی ← مهارت‌های اجتماعی	۱/۰۰	-۰/۳۹۷	-۰/۳۹۷	۰/۳۳۶	-۸/۳۱	۰/۰۰۰
ادراک تعارض والدینی ← سازگاری هیجانی	۱/۲۹	-۰/۲۳۷	-۰/۲۱۳	۰/۲۶۷	-۵/۳۵	۰/۰۰۰
رابطه شایستگی ← سازگاری هیجانی	۱/۵۹	-۰/۰۹۳	-۰/۰۹۳	۰/۱۵۹	۱/۹۹	۰/۰۰۰
مهارت‌های اجتماعی ← سازگاری هیجانی	۱/۹۳	-۰/۴۸۶	-۰/۴۸۶	۰/۴۱۳	۹/۵۴	۰/۰۰۰

پژوهش به منظور نتیجه‌گیری در مورد روابط بین متغیرها در جدول ۵ آمده است. در این جدول، قدرمطلق آماره t (۵/۳۵) برای بررسی تاثیر «ادراک تعارض ← سازگاری هیجانی» بیش از ۱/۹۶ بوده است. از طرفی ضریب این رابطه منفی (برابر ۰/۲۳۷-) بوده است. از این رو در سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت: بین تعارض والدین و سازگاری هیجانی نوجوانان رابطه وجود دارد. قدرمطلق آماره t (۸/۳۱-) برای بررسی تاثیر «ادراک تعارض ← مهارت‌های اجتماعی» بیش از ۱/۹۶ بوده است از طرفی ضریب این رابطه منفی (برابر ۰/۳۹۷-) بوده است. قدرمطلق آماره t (۴/۳۸-) برای بررسی تاثیر «ادراک تعارض ← شایستگی رابطه» بیش از ۱/۹۶ بوده است. از طرفی ضریب این رابطه منفی (برابر ۰/۲۱۲-) بوده است. از این رو در سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت: بین تعارض والدینی با مهارت‌های اجتماعی و شایستگی رابطه نوجوانان رابطه وجود دارد.

به منظور بررسی نقش میانجی مهارت‌های اجتماعی و شایستگی رابطه از آزمون جایگشت استفاده نمودیم. نتایج این آزمون به شرح جدول ذیل آمده است.

جدول ۶. نتایج آزمون جایگشت

رابطه	P-مقدار
ادراک تعارض والدینی ← مهارت‌های اجتماعی ← سازگاری هیجانی	۰/۰۰۰
ادراک تعارض والدینی ← شایستگی رابطه ← سازگاری هیجانی	۰/۰۰۰

نتایج آزمون در جدول ۶ حاکی از آن است که P مقدار در آزمون جایگشت برای هریک از روابط «ادراک تعارض بین والدین ← مهارت‌های اجتماعی ← سازگاری هیجانی» و «ادراک تعارض بین والدین ← شایستگی رابطه ← سازگاری هیجانی» کمتر از ۰/۰۵ است از این رو: بین سازگاری هیجانی بر اساس تعارض والدینی با میانجی‌گری مهارت‌های اجتماعی و شایستگی رابطه نوجوانان رابطه وجود دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه بین ادراک تعارض والدین و سازگاری هیجانی نوجوانان: با میانجی‌گری مهارت‌های اجتماعی و شایستگی رابطه اجتماعی بود.

نتایج نشان داد بین ادراک تعارض والدینی و سازگاری هیجانی رابطه وجود دارد که با نتایج پژوهش‌های لانگ و آبل (۲۰۱۸)، مایا و همکاران (۲۰۲۴)، اولاتونجی و ایدمودیا (۲۰۲۱)، ترنر (۲۰۰۶) مان و گیلیوم (۲۰۰۴) و آماتو و سوبولفسکی (۲۰۰۱) همسو بود. نتایج این پژوهش‌ها همانند نتیجه پژوهش حاضر نشان داد که بین تعارض والدین و سازگاری هیجانی نوجوانان رابطه منفی وجود دارد. به طور خاص نتایج پژوهش ترنر (۲۰۰۶) نشان داد کودکان و نوجوانانی که در معرض تعارضات بین والدین بودند به طور قابل توجهی افسردگی بیشتر و کاهش عزت‌نفس را گزارش می‌دادند. در تبیین این رابطه می‌توان به سه نکته اشاره کرد، نکته اول، تعارض بین والدین احتمالاً منجر به روش‌ها و شیوه‌های فرزندپروری ضعیف در ارتباط با کودکان و نوجوانان شود که همین امر ممکن است مانع اجتماعی شدن و سازگاری صحیح و مناسب برای آنان شود؛ نکته دوم، روابط متشنج و غیرحمایتی که با والدین ایجاد می‌شود منجر به الگوسازی از رفتار والدین و تمرکز بر روی این نوع رفتارها از سوی نوجوانان می‌شود. در نتیجه این احتمال وجود دارد این الگوهای مشابه را در رابطه با همسالان یا در آینده در ارتباط با همسر خود در روابط زناشویی ایجاد کنند. بنابراین، نوجوانان کمتر قادر به برقراری روابط حمایتی با دیگران می‌شود و ممکن است فشارهای مزمن زیادی که منجر به اضطراب و استرس و سایر موارد می‌شود را در این روابط تجربه کنند. در همین رابطه نتایج پژوهش آماتو و سوبولفسکی (۲۰۰۱) نشان از ارتباط بین اختلافات زناشویی و کیفیت ضعیف و پایین روابط بین نوجوانان با والدین بود. بنابراین، تعارض بین والدینی ممکن است به روابط با فرزندان سرایت کند و/یا روابط والدین و فرزند ممکن است به دلیل وفاداری تقسیم شده با والدین تیره شود. اگرچه ممکن است که همین فرایندها درک حمایت والدین را از نوجوانان نیز کاهش دهند، نکته سوم، تعارض بین والدین به عنوان یک استرس مزمن شناخته می‌شود که عزت نفس و احساس تسلط نوجوانان را بر خود و وقایع از بین می‌برد و این احساس کم توجهی به خود و کنترل شخصی تا بزرگسالی ادامه می‌یابد.

دیگر یافته این پژوهش از ارتباط مثبت و معنادار بین مهارت‌های اجتماعی و سازگاری هیجانی حاکی بود که با پژوهش‌های کامپر-دمارکز (۲۰۲۰)، کالیبی و فورمن (۲۰۱۵)، داویلا (۲۰۰۸)، استار و همکاران، (۲۰۱۲)، پارکر (۲۰۰۵) و روبین (۲۰۰۶) همخوانی داشت. در تبیین این رابطه می‌توان گفت نوجوانی یک دوره انتقالی است که با انبوهی از تغییرات فیزیکی، شناختی، عاطفی و رفتاری

همراه با تغییرات در زمینه‌ها و انتظارات اجتماعی مشخص می‌شود. در طول دوران نوجوانی، دوستان در برآوردن نیازهای اجتماعی منحصر به فرد، مانند نیاز به محبت، صمیمیت، همراهی و مراقبت نقش و اهمیت بسزایی پیدا می‌کنند، از این رو روابط با دیگران نیازمند مهارت‌های جدید و پیچیده‌تر بین فردی است. در همین رابطه هانسن و همکاران (۱۹۹۵) روش‌های مختلفی را برجسته می‌کند که در تعاملات اجتماعی نقش مهمی در سازگاری روانی نوجوان ایفا می‌کند، از جمله (الف) ایجاد سیستم‌های حمایتی برای نیازهای عاطفی و اجتماعی؛ (ب) توسعه قضاوت اخلاقی و ارزش‌های اجتماعی؛ (ج) بهبود یا حفظ عزت نفس؛ (د) ارتقای شایستگی بین فردی و رفتار اجتماعی بزرگسالان؛ (ه) توسعه ادعای استقلال که به جدایی از خانواده کمک می‌کند؛ (و) تفریح؛ (ز) ارتقاء موقعیت اجتماعی در گروه همسالان؛ (ح) ایجاد نگرش‌ها، علایق و رفتارهای جنسیتی. با توجه به اهمیت آنها در این دوره رشدی، روابط ضعیف با همسالان در نوجوانی با طیف وسیعی از مشکلات سازگاری همراه است. به عنوان مثال، نوجوانانی که توسط همسالان خود پذیرفته نمی‌شوند، بیشتر احتمال دارد که مدرسه را ترک کنند (پارکر و آشر، ۱۹۸۷). افرادی که مهارت اجتماعی ضعیف و رفتار پرخاشگرانه دارند در معرض خطر ابتلا به تعدادی از مشکلات به اشکال مختلف ناسازگاری اعم از مشکلات عاطفی (مانند اضطراب، افسردگی، کاهش احساس ارزشمندی) تا رفتارهای ضد اجتماعی (مثلاً مصرف مواد و فعالیت‌های بزهکارانه) هستند (دوج و همکاران، ۲۰۰۶). از این رو سازگاری هیجانی‌شان به خطر می‌افتد. بنابراین می‌توان گفت مهارت‌های اجتماعی برای توسعه و حفظ روابط بین فردی خصوصاً در دوران نوجوانی بسیار مهم است. به نظر می‌رسد که داشتن مهارت‌های اجتماعی یک عامل مهم تعیین کننده برای سازگاری هیجانی است. سازگاری که در دوران نوجوانی خود را به صورت احساس تنهایی، کمرویی یا اضطراب اجتماعی نشان می‌دهد. بنابراین اگر نوجوانی مهارت‌های اجتماعی بالایی داشته باشد از طریق ایجاد و حفظ روابط بین فردی با کیفیت بالا با دیگران می‌تواند سلامت و سازگاری هیجانی خود را نیز حفظ کند.

دیگر یافته این پژوهش از ارتباط مثبت و معنادار بین شایستگی رابطه و سازگاری هیجانی حاکی بود که با پژوهش‌های آدامچیک و پیلارسکا (۲۰۱۲)؛ داویلا و همکاران (۲۰۰۹)؛ لیری (۱۹۹۰)؛ بوهرمستر (۱۹۹۰)؛ گیبل و شین (۲۰۰۰) همخوانی دارد. در تبیین این رابطه می‌توان گفت با توجه به اهمیت نظری مشارکت اجتماعی در پیش‌بینی سلامت روانی، تعجب‌آور نیست که شایستگی رابطه هم احتمالاً پیش‌بینی کننده سازگاری عاطفی بود (لیری، ۱۹۹۰). یافته کنونی با تحقیقات قبلی که نشان می‌دهد ارزیابی ذهنی نوجوانان از شایستگی آنها در ایجاد و حفظ روابط نزدیک با همسالان به طور مثبت با سلامت عاطفی (بوهرمستر، ۱۹۹۰) و عزت نفس مرتبط است (کانولی و کونارسکی، ۱۹۹۴) و ارتباط منفی با علائم افسردگی دارد، به نوعی همخوانی دارد (گیبل و شین، ۲۰۰۰). شایستگی رابطه یکی از پیامدهای رابطه والدین و نوجوانی است. شایستگی رابطه‌ای پایه‌ای است که انتظارات برای تعامل آینده بر اساس آن ساخته می‌شود، زیرا نوجوانان درک رفتار خود را نسبت به سازگاری اجتماعی با دیگران، به‌ویژه خانواده و دوستان بر اساس آنها شکل و توسعه می‌دهند. کیفیت روابط نوجوانان به سازگاری موفق آنان در جامعه کمک می‌کند. هنگامی که والدین حمایت می‌کنند، روابط تقویت می‌شود و فرصت‌های بزرگی را برای نوجوانان ایجاد می‌کند تا مهارت‌های اجتماعی خود را تقویت کنند و از همسالان خود نیز بهره‌مند شوند در واقع، احساس شایستگی رابطه، احساس رشد شخصی را برای فرد فراهم می‌کند و فرد را قادر می‌سازد تا در دایره اجتماعی خود سازگارتر شود. به عبارتی دیگر هنگامی که شایستگی رابطه نوجوانان در سطح بالایی فرا گرفته شود احتمال اینکه فرد ارتباط بسیار خوبی بتواند با والدین خود برقرار کند بسیار بالا است در نتیجه از سوی والدین نیز پذیرفته می‌شود و این ادراک در نوجوان شکل گیرد که مهم نیست من چه کاری انجام می‌دهم مهم این است که از سوی والدینم بدون قید و شرط پذیرفته می‌شوم و همین امر به سازگاری هیجانی او نیز کمک بسیاری می‌کند. از سوی دیگر همانطور که گفته شد نوجوانان در این دوره به شدت تحت تأثیر روابط اجتماعی خود قرار می‌گیرند که این امر می‌تواند بر بازنمایی خود و در نتیجه بر سطح عزت نفس آنان تأثیر بگذارد. در نتیجه شایستگی رابطه‌ای به آنان کمک می‌کند با دوستان خود بتوانند ارتباط بسیار خوبی برقرار کنند و در نتیجه بهبود سازگاری هیجانی نوجوانان نیز به به همراه دارد.

دیگر نتایج این پژوهش نشان داد مهارت‌های اجتماعی می‌تواند در رابطه بین تعارض والدین و سازگاری هیجانی نقش میانجی داشته باشد. اگرچه پژوهش‌های مشخصی در این رابطه وجود ندارد اما نتایج برخی از پژوهش‌ها از ارتباط منفی بین ادراک تعارض بین والدینی با مهارت‌های اجتماعی (ریجیو، ۲۰۰۴) و سازگاری هیجانی حاکی است (گریچ و فینچام، ۱۹۹۰؛ ترنر، ۲۰۰۶) که با نتایج این پژوهش همسو هستند. والدین خصوصاً پدر ممکن است نقش مهمی در اکتشاف محیط و موقعیت‌های جدید از جمله تجربیات اجتماعی برای کودکان ایفا کنند. از سوی دیگر والدین خصوصاً ارتباط بهتر با مادر، پیش‌بینی‌کننده رفتار حل تعارض سازگارتر است، که به نوبه خود سازگاری هیجانی را ارتقا می‌دهد. طبق تحقیقات قبلی، زمانی که مشکلات و موانعی برای کودک به وجود می‌آید، مادر ممکن است در درجه اول به عنوان یک پایگاه امن عمل کنند (گروسمن و همکاران، ۲۰۰۲). بنابراین روابط خوب کودک با والدین منجر به این امر می‌شود تا با حفظ این الگوها تا بزرگسالی به افراد در چگونگی به کارگیری مهارت‌های خوب در برقراری روابط بین فردی و افزایش و بهبود مهارت‌های اجتماعی کمک بسیار زیادی شود. با توجه به اهمیتی که در مورد نقش پدر و مادر بیان شد به نظر می‌رسد وجود تعارض بین والدین و قرار گرفتن نوجوانان در معرض این تعارضات در ارتقای مهارت‌های اجتماعی و سازگاری هیجانی آنان خلل ایجاد کند. به عنوان مثال اهمیت مهارت‌های اجتماعی در دوران نوجوانی بسیار مهم است زیرا توانایی درک شده فرد در مهارت‌های اجتماعی و مدیریت تعارضات و روابط بین فردی نه تنها برای شروع و حفظ روابط رضایت بخش با همسالان، بلکه برای احساس کلی فرد از خود نیز مهم است. به عنوان مثال، نتایج تحقیقات نشان داد، افراد با مهارت‌های اجتماعی پایین‌تر تمایل دارند خود را منفی‌تر ببینند؛ درگیری‌های بلندمدت و حل نشده نوجوانان با همسالان با بی‌ثباتی مداوم رابطه مرتبط است (هاولی و همکاران^۱، ۲۰۰۲؛ سیلسن و بلمور^۲، ۲۰۰۲). بنابراین مهارت‌های اجتماعی منجر به ایجاد و حفظ گروه‌ها و دوستی‌های و حمایت اجتماعی می‌شود و در نهایت سلامتی و سازگاری هیجانی نوجوانان را ارتقا می‌دهد.

با این حال، هیچ پژوهشی تا به امروز به این ساختارها در یک مدل منسجم نگاه نکرده است. یافته‌های مربوط به یافته مورد بررسی، پیامدهای متعددی دارد. اول: پژوهش حاضر بینشی را در مورد بحث جاری در مورد رابطه ادراک تعارض بین والدینی، مهارت‌های اجتماعی و سازگاری هیجانی ارائه می‌دهد. دوم، یافته‌های پژوهش حاضر همچنین نشان می‌دهد که والدین نقش مهمی در سازگاری اجتماعی و هیجانی فرزندان خود حداقل در سنین نوجوانی دارند. در مطالعه حاضر، ادراک تعارض والدینی پیش‌بینی‌کننده مهارت‌های اجتماعی و سازگاری هیجانی در نوجوانان بود. بنابراین داشتن مهارت‌های اجتماعی شبیه بزرگسالان در دوران نوجوانی بسیار مهم می‌باشد. از این رو، تأثیر تعارض‌های بین والدین بر شکل‌گیری مهارت‌های اجتماعی و سازگاری هیجانی برای نوجوانان بسیار مهم و اساسی است. در مدل حاضر، چنین یافته‌هایی از لحاظ نظری در گسترش درک ما از تأثیر بالقوه قرار گرفتن در معرض تعارضات بین والدینی برای نوجوانان خیلی مهم است. یافته‌های حاضر اهمیت بررسی و پژوهش جامع‌تر در آینده برای اینکه چه جنبه‌هایی از تعارض بین والدینی ممکن است بر مهارت‌های اجتماعی و سازگاری هیجانی تأثیر می‌گذارد، را نشان می‌دهد. در نتیجه رشد هیجانی افراد، این پژوهش با پرداختن به شکاف‌های موجود در درک تعارض‌های والدینی، مهارت‌های اجتماعی و سازگاری هیجانی در بافت خانواده پیوند می‌دهند، به تحقیقات نوجوانان کمک می‌کند. نتایج حاضر، ارتباط مداوم تعارضات بین والدین را، حداقل در نوجوانی، برای رشد اجتماعی و سازگاری هیجانی نشان می‌دهد.

و بالاخره یافته دیگر این پژوهش نقش میانجی شایستگی رابطه در ارتباط بین تعارض والدینی و سازگاری هیجانی را مورد تأیید قرار داد. اگرچه پژوهش‌های مشخصی در این رابطه وجود ندارد اما نتایج برخی از پژوهش‌ها از ارتباط منفی بین ادراک تعارض والدینی با شایستگی رابطه و سازگاری هیجانی به عنوان مثال رایس و همکاران^۳، ۱۹۹۷؛ انگلس و همکاران^۴ (۲۰۰۱) و

1. Hawley et al
2. Cillessen & Bellmore
3. Rice et al
4. Engels et al

هولاهان و همکاران^۱ (۱۹۹۴) همخوانی داشت. در تبیین این یافته می‌توان گفت، بالبی (۱۹۷۳) بیان کرد افراد طرحواره‌های شناختی خود و دیگران را از رابطه والد-کودک در طول عمر خود گسترش می‌دهند. در نتیجه، تجارب دوران کودکی نوجوانان، بر پیش‌بینی و مدیریت تعاملات با افراد مهم (مانند والدین، دوستان و غیره) و سازگاری هیجانی آنان تأثیرگذار است؛ همانطوری که نظریه یادگیری اجتماعی یا دیدگاه انتقال بین نسلی بوئن معتقدند که کودکان و نوجوانان بسیاری از رفتارها را از طریق مشاهده و تعامل با الگوهای بزرگسالان می‌آموزند (بندورا، ۱۹۸۹). والدین مهمترین منبعی هستند که نوجوانان از آن در مورد ماهیت روابط با همسالان یا روابط در آینده زندگی زناشویی‌شان یاد می‌گیرند. در نتیجه، مشاهده و تمرین این الگوها (رفتار والدین) به بهبود شایستگی رابطه و سازگاری هیجانی در محیط خانواده‌هایی که تعارض حداقلی بین والدین است منجر به تعدادی فرصت یادگیری در دوران کودکی و نوجوانی می‌شود. نوجوانانی که والدینی با سابقه تعارض دارند، فرصت کمتری برای مشاهده و یادگیری مهارت‌های اجتماعی مثبت و همراه با روابط رضایت‌بخش و بلندمدت در آینده خواهند داشت. بنابراین این نوجوانان احتمالاً رفتارهای بین فردی و باورهای را یاد بگیرند که خطر بی‌ثباتی یا تعارض را در روابط بعدی آنها افزایش می‌دهد. منبع اصلی شایستگی رابطه نوجوانان در روابط با همسالان، والدین آنهاست (انگلس و همکاران، ۲۰۰۱). به نظر می‌رسد تعارض والدینی بر شایستگی رابطه‌ای نوجوانان تأثیرگذار منفی می‌گذارد. در صورتی که شایستگی رابطه در نوجوانان به خوبی شکل و بهبود نیابد، نوجوانان در درازمدت با بی‌ثباتی مداوم در روابط خود روبرو می‌شوند. برای مثال در حالی که نزاع‌های گاه به گاه با دوستان در دوران نوجوانی خیلی زیاد و به طور معمول رخ دهد اما درگیری‌های طولانی مدت و حل نشده نوجوانان با همسالان با بی‌ثباتی مداوم رابطه مرتبط است. این یافته‌ها نشان می‌دهد که اگر نوجوانان فاقد مهارت‌های ضروری برای شروع و حفظ دوستی‌ها باشند، فرصت‌های کمتری برای توسعه چنین مهارت‌هایی در روابط خواهند داشت که در نتیجه احساس کارآمدی اجتماعی کاهش می‌یابد و با اضطراب و افسردگی و سازگاری هیجانی پایین همراه است. در نهایت با مدل سازگاری عاطفی نوجوانان انگلس و همکاران (۲۰۰۱) که بر روی نوجوانان ۱۲ تا ۱۸ سال انجام گرفت می‌توان نقش میانجی شایستگی رابطه را در ارتباط با ادراک تعارض والدینی و سازگاری هیجانی تبیین کرد. پژوهش‌های آنان نشان داد نوجوانانی که ارتباط بسیار خوبی را با والدین خود گزارش کردند، مهارت‌های اجتماعی را بیشتر انجام می‌دادند و برای انجام این مهارت‌ها اضطراب کمتری داشتند. همچنین مشخص شد که اضطراب کم در انجام وظایف بین فردی بر ادراک نوجوانان از شایستگی‌های رابطه خود در شروع و حفظ روابط خوب با دوستان و سایر افراد تأثیرگذار بود که این به نوبه خود سازگاری هیجانی را پیش‌بینی می‌کرد، همانطور که با رتبه بندی افسردگی و عزت نفس نشان داده شد.

علیرغم نقاط قوت این پژوهش، مانند بررسی فرآیندهای میانجی و جهت‌گیری اثرات مستقیم و غیرمستقیم، نتایج این پژوهش باید با در نظر گرفتن برخی محدودیت‌ها تفسیر شود. محدودیت‌ها عبارتند از: (۱) روش جمع‌آوری داده‌ها صرفاً پرسش‌نامه که یک ابزار خودگزارشی است، بوده و تنها یک بار فقط بر روی نمونه مورد نظر اجرا شده است؛ (۲) پژوهش حاضر یک پژوهش مقطعی و رابطه‌ای بوده است به همین دلیل نمی‌توان نتیجه‌گیری علی و معلولی از یافته‌های این پژوهش داشت؛ (۳) این پژوهش تنها بر روی دانش‌آموزان شهرستان شهرکرد انجام گرفته است و تعمیم نتایج به سایر نوجوانان در استان‌های دیگر کشور باید با احتیاط باید انجام گیرد. پژوهش‌های آینده باید بر روی ویژگی‌های جمعیت شناختی بیشتر مانند قومیت‌های مختلف، وضعیت اجتماعی و اقتصادی بررسی شود؛ همچنین در استان‌های دیگر کشور انجام شود و در نهایت از ابزارهای مختلف مانند مصاحبه با خود نوجوان و والدینشان در پژوهش‌های آینده استفاده کنند.

تعارض منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تعارض منافع را در مقاله اعلام نکرده‌اند.

تقدیر و تشکر

از تمامی کسانی که پژوهشگران را در انجام این پژوهش یاری نمودند قدردانی می‌شود.

منابع

- صلواتی، سارا و امید شکری. (۱۳۹۴). تحلیل روان‌سنجی مقیاس ارزیابی‌های کودکان خردسال از تعارض بین والدینی. *روان‌شناسی تحولی روان‌شناسان ایرانی*، ۴۴، ۳۷۹-۳۹۰.
- کرسوی، سیماسادات و صدوقی، مجید. (۱۳۹۹). خوشه‌بندی رفتار قلدری دانش‌آموزان نوجوان بر پایه شایستگی اجتماعی و ترجیح اجتماعی. *نشریه روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی*، ۱۱(۴۲)، ۱-۱۴.
- حجتی، محمد؛ عباسی، محمد و قدم‌پور، عزت‌الله. (۱۴۰۱). امکان‌سنجی آموزش مبتنی بر عوامل فردی، خانوادگی و مدرسه‌ای بر مهارت‌های اجتماعی و کنترل خشم دانش‌آموزان. *رویش روان‌شناسی*، ۱۱(۱۰)، ۳۶۳-۳۷۴.
- شکری، امید؛ سنایی‌پور، محمد حسین؛ رویایی، زهرا و قره‌تپه‌ای، زهرا. (۱۳۹۵). ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس سازگاری هیجانی در دانشجویان ایرانی. *فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی*، ۹(۴)، ۱۷-۲۷.
- کریمی عقدا، هادی؛ شریفی اردانی، علیرضا؛ صباغیان بغداد آباد، حمید؛ غلامزاده بافقی، طیبه و پور غلامی، فرزاد. (۱۴۰۳). تبیین مهارت اجتماعی فرزندان بر اساس تنظیم هیجان والدین: بررسی نقش میانجی‌گری روابط والد-کودک. *پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی*، ۵۳(۱)، ۹۳-۱۰۸.
- باباخانی، مریم و پرندین، شیما. (۱۴۰۲). الگوی ساختاری شایستگی اجتماعی و بهزیستی ذهنی بر اساس سرمایه‌های روان‌شناختی با نقش میانجی رضایت از زندگی در دختران و زنان جوان سرپل ذهاب. *پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی*، ۵۰(۱)، ۳۱-۴۲.
- Adamczyk, K., & Pilarska, A. (2012). Attachment style, relationship status, gender and relational competences among young adults. *Polish Psychological Bulletin*, 43(2), 59-69. <https://doi.org/10.2478/v10059-012-0007-4>.
- Ahmad, I., & Amin, Z. (2019). Perceived Parent-Adolescent Conflict and Social Competence: Moderating Role of Gender. *Journal of Behavioural Sciences*, 29(2), 37-49. 10.33582/2637-8027/1016.
- Akande, J. A., & Ikediashi, N. N. (2018). Level of emotional adjustment of secondary school students in the federal capital territory. *Journal of Research in Humanities and Social Science*, 6(8), 50-5.
- Amato, P. R., & Sobolewski, J. M. (2001). The effects of divorce and marital discord on adult children's psychological well-being. *American sociological review*, 66(6), 900-921. <https://doi.org/10.2307/3088878>
- Arjun, A. (2022). Emotional adjustment among adolescents, Kerala, India. *Journal of Positive School Psychology*, 6(5), 5009-5016.
- Babakhani, M., & Parandin, S. (2024). The structural model of social competence and subjective well-being based on psychological capitals with mediating role of life satisfaction in Sarpolezahab youth women and girls. *Social psychology research*, 13 (50), 31-42. [In Persian]<https://doi.org/10.22034/spr.2023.386035.1819>
- Bandura, A. (1989). Social cognitive theory. *Annals of Child Development*, 6, 1-60.
- Beelmann, A., Arnold, L. S., & Hercher, J. (2023). Parent training programs for preventing and treating antisocial behavior in children and adolescents: A comprehensive meta-analysis of international studies. *Aggression and violent behavior*, 68(1), 101798. <https://doi.org/10.1016/j.avb.2022.101798>
- Bowker, J. C. W., Rubin, K. H., Burgess, K. B., Booth-LaForce, C., & Rose-Krasnor, L. (2006). Behavioral characteristics associated with stable and fluid best friendship patterns in middle childhood. *Merrill-Palmer Quarterly*, 52(4), 671-693. <https://doi.org/10.1353/mpq.2006.0000>
- Bowlby, J. (1982). Attachment and loss. *American Journal of Orthopsychiatry*, 52(4), 664-678. <https://doi.org/10.1111/j.1939-0025.1982.tb01456.x>
- Buhrmester, D. (1990). Intimacy of friendship, interpersonal competence, and adjustment during preadolescence and adolescence. *Child Development*, 64(1), 1101-1111. <https://doi.org/10.2307/1130878>
- Cheng, W. Y., Cheung, Y.M., & Chung, K. K. (2024). The role of family conflict and cohesion in adolescents' social responsibility: Emotion regulation ability as a mediator. *PLoS One*, 30,19(9), e0311265. 10.1371/journal.pone.0311265

- Cillessen, A. H., & Bellmore, A. D. (2002). Social skills and interpersonal perception in early and middle childhood. In P. K. Smith & C. H. Hart (Eds.), *Blackwell handbook of childhood social development* (pp. 356-374). Maiden, MA: Blackwell Publishing.
- Collibee, C., & Furman, W. (2015). Quality counts: Developmental shifts in associations between romantic relationship qualities and psychosocial adjustment. *Child development*, 86(5), 1639-1652. doi: 10.1111/cdev.12403
- Compas, B. E., Jaser, S. S., Bettis, A. H., Watson, K. H., Gruhn, M. A., Dunbar, J. P., Williams, E., & Thigpen, J. C. (2017). Coping, emotion regulation, and psychopathology in childhood and adolescence: A meta-analysis and narrative review. *Psychological bulletin*, 143(9), 939. 10.1037/bul0000110
- Connolly, J. A., & Konarski, R. (1994). Peer self-concept in adolescence: Analysis of factor structure and of associations with peer experience. *Journal of Research on Adolescence*, 4, 385—403. https://doi.org/10.1207/s15327795jra0403_3
- Connolly, J., & McIsaac, C. (2009). Adolescents explanations for romantic dissolutions: A developmental perspective. *Journal of adolescence*, 32(5), 1209-1223. DOI: 10.1016/j.adolescence.2009.01.006
- David, K. M., & Murphy, B. C. (2004). Interparental conflict and late adolescents' sensitization to conflict: The moderating effects of emotional functioning and gender. *Journal of Youth and Adolescence*, 33, 187-200. <https://doi.org/10.1023/B:JOYO.0000025318.26238.40>
- Davila, J. (2008). Depressive symptoms and adolescent romance: Theory, research, and implications. *Child Development Perspectives*, 2(1), 26-31. <https://doi.org/10.1111/j.1750-8606.2008.00037.x>
- Davila, J., Steinberg, S. J., Miller, M. R., Stroud, C. B., Starr, L. R., & Yoneda, A. (2009). Assessing romantic competence in adolescence: The romantic competence interview. *Journal of adolescence*, 32(1), 55-75. 10.1016/j.adolescence.2007.12.001
- Díaz Falcón, D., Fuentes Suárez, I., & Senra Pérez, N. d. I. C. (2018). Adolescencia y autoestima: su desarrollo desde las instituciones educativas. *Conrado*, 14(64), 98-103.
- Dodge, K. A., Coie, J. D., & Lynam, D. R. (2006). Aggression and antisocial behavior in youth. In W. Damon & R. Lerner (Eds.), *Handbook of child psychology* (6th ed., pp. 719–788). New York: Wiley.
- Engels, R. C. M. E., Finkenauer, C., Meeus, M., & Dekovic, M. (2001). Parental attachment and adolescents' emotional adjustment: The associations with social skills and relational competence. *Journal of Counseling Psychology*, 48, 428-39. <https://doi.org/10.1037/0022-0167.48.4.428>
- Filipiak, S., & Łubianka, B. (2021). On the rocky road to independence: Big five personality traits and locus of control in polish primary school students during transition into early adolescence. *International journal of environmental research and public health*, 18(9), 4564. <https://doi.org/10.3390/ijerph18094564>
- Grossman, K., Grossman, K. E., Fremmer-Bombik, E., Kindler, H., Scheuerer-Englisch, & Zimmerman, P. (2002). The uniqueness of the child-father attachment relationship: Father's sensitive and challenging play as a pivotal variable in a 16 year longitudinal study. *Social Development*, 11, 307-331. <https://doi.org/10.1111/1467-9507.00202>
- Grych, J. H., & Fincham, F. D. (1990). Marital conflict and child adjustment: A cognitive-contextual framework. *Psychological Bulletin*, 108, 267-290. 10.1037/0033-2909.108.2.267
- Grych, J. H., Seid, M., & Fincham, F. D. (1992). Assessing marital conflict from the child's perspective: The Children's Perception of Interparental Conflict Scale. *Child development*, 63(3), 558-572. <https://doi.org/10.2307/1131346>
- Hansen, D. J., Giacoletti, A. M., & Nangle, D. W. (1995). Social interactions and adjustment. In V. B. Van Hasselt and M. Hersen (Eds.), *Handbook of adolescent psychopathology: A guide to diagnosis and treatment* (pp. 102–129). New York: Lexington Books.
- Harold, G. T., & Sellers, R. (2018). Annual research review: Interparental conflict and youth psychopathology: An evidence review and practice focused update. *Journal of child psychology and psychiatry*, 59(4), 374-402. 10.1111/jcpp.12893
- Hawley, P. A., Little, T. D., & Pasupathi, M. (2002). Winning friends and influencing peers: Strategies of peer influence in late childhood. *International Journal of Behavioral Development*, 26(5), 466–474. <https://doi.org/10.1080/01650250143000427>
- Hess, S. (2022). Effects of inter-parental conflict on children's social well-being and the mediation role of parenting behavior. *Applied Research in Quality of Life*, 17(4), 2059-2085. <https://doi.org/10.1007/s11482-021-10022-y>
- Hojati, M., Abbasi, M., Ghadampour, E. (2022). The feasibility of training based on individual, family and school factors on students' social skills and anger control. *Rooyesh*, 11(10), 49-60. [In Persian] 20.1001.1.2383353.1401.11.10.5.0.

- Holahan, C. J., Valentiner, D. P., & Moos, R. H. (1994). Parental support and psychological adjustment during the transition to young adulthood in a college sample. *Journal of Family and Psychology*, 8, 215-233. <https://doi.org/10.1037/0893-3200.8.2.215>
- Hosokawa, R., & Katsura, T. (2017). Marital relationship, parenting practices, and social skills development in preschool children. *Child and adolescent psychiatry and mental health*, 11, 1-8. 10.1186/s13034-016-0139-y
- Kamper-DeMarco, K. E., Shankman, J., Fearey, E., Lawrence, H. R., & Schwartz-Mette, R. A. (2020). Linking social skills and adjustment. In *Social skills across the life span* (pp. 47-66). Elsevier.
- karimi aqda, H., Sharifi Ardani, A., Sabbaghian Baghdad Abad, H., Gholamzadeh Bafqy, T., & Pourgholami, A. (2024). Explaining Children's Social Skills Based on Parents' Emotion Regulation: Investigating the Mediating Role of Parent-Child Relationships. *Social psychology research*, 14 (53), 93-108. [In Persian] <https://doi.org/10.22034/spr.2024.424095.1882>.
- Korsavi, S., & Sadoughi, M. (2021). Clustering the bullying and victimized students based on their social competence and social preference. *Psychological models and methods*, 11(42), 1-14. [In Persian] 20.1001.1.22285516.1399.11.42.1.7.
- Láng, A., & Abell, L. (2018). Relationship between interparental functioning and adolescents' level of Machiavellianism: A multi-perspective approach. *Personality and Individual Differences*, 120, 213-221. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2017.08.043>
- Leary, M. R. (1990). Responses to social exclusion: Social anxiety, jealousy, loneliness, and low self-esteem. *Journal of Social and Clinical Psychology*, 9, 221-229. <https://doi.org/10.1521/jscp.1990.9.2.221>
- Lemerise, E. A., & Arsenio, W. F. (2000). An integrated model of emotion processes and cognition in social information processing. *Child development*, 71(1), 107-118. 10.1111/1467-8624.00124
- Lodder, G. M., Scholte, R. H., Goossens, L., & Verhagen, M. (2017). Loneliness in early adolescence: Friendship quantity, friendship quality, and dyadic processes. *Journal of Clinical Child & Adolescent Psychology*, 46(5), 709-720. 10.1080/15374416.2015.1070352
- Low, R. S., Overall, N. C., Cross, E. J., & Henderson, A. M. (2019). Emotion regulation, conflict resolution, and spillover on subsequent family functioning. *Emotion*, 19(7), 1162-1182. 10.1037/emo0000519
- Mann, B. J., & Gilliom, L. A. (2004). Emotional security and cognitive appraisals mediate the relationship between parents' marital conflict and adjustment in older adolescents. *Journal of Genetic Psychology*, 165(3), 250-271. 10.3200/GNTP.165.3.250-271
- Martín-Ruiz, I., González-Valenzuela, M. J., & Infante-Cañete, L. (2023). Emotional Adjustment among Adolescent Students with and without Specific Learning Disabilities. *Children*, 10, 2-12. 10.3390/children10121911
- Maya, J., Fuentes, I., Arcos-Romero, A. I., & Jiménez, L. (2024). Parental Attachment and Psychosocial Adjustment in Adolescents Exposed to Marital Conflict. *Children*, 11(3), 291-302. <https://doi.org/10.3390/children11030291>
- Miller-Slough, R. L., & Dunsmore, J. C. (2020). Emotion socialization by parents and friends: Links with adolescent emotional adjustment. *Journal of Applied Developmental Psychology*, 71, Article 101197. <https://doi.org/10.1016/j.appdev.2020.101197>
- Missotten, L. C., Luyckx, K., Branje, S. J., Hale III, W. W., & Meeus, W. H. (2017). Examining the longitudinal relations among adolescents' conflict management with parents and conflict frequency. *Personality and Individual Differences*, 117, 37-41. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2017.05.037>
- Mulraney, M., Coghill, D., Bishop, C., Mehmed, Y., Sciberras, E., Sawyer, M., Efron, D., & Hiscock, H. (2021). A systematic review of the persistence of childhood mental health problems into adulthood. *Neuroscience and Biobehavioral Reviews*, 129, 182-205. <https://doi.org/10.1016/j.neubiorev.2021.07.030>
- Olatunji, O. A., & Idemudia, E. S. (2021). The multidimensionality of inter-parental conflict on aggression and mental health among adolescents. *Heliyon*, 7(5), 1-6. 10.1016/j.heliyon.2021.e07124
- Palmtag, E.-L. (2022). Like ripples on a pond: The long-term consequences of parental separation and conflicts in childhood on adult children's self-rated health. *SSM-Population Health*, 18(18), 101100. <https://doi.org/10.1016/j.ssmph.2022.101100>
- Parker, J. G., & Asher, S. R. (1987). Peer relations and later personal adjustment: Are low-accepted children at risk? *Psychological Bulletin*, 102, 357-389. <https://doi.org/10.1037/0033-2909.102.3.357>
- Parker, J. G., Low, C. M., Walker, A. R., & Gamm, B. K. (2005). Friendship jealousy in young adolescents: individual differences and links to sex, self-esteem, aggression, and social adjustment. *Developmental psychology*, 41(1), 235. <https://doi.org/10.1037/0033-2909.102.3.357>

- Rice, K. G., Cunningham, T. J., & Young, M. B. (1997). Attachment to parents, social competence, and emotional well-being: A comparison of black and white late adolescents. *Journal of Counseling Psychology*, 44, 89-101. <https://doi.org/10.1037/0022-0167.44.1.89>
- Riggio, H. R. (2004). Parental marital conflict and divorce, parent-child relationships, social support, and relationship anxiety in young adulthood. *Personal Relationships*, 11, 99-114. <https://doi.org/10.1111/j.1475-6811.2004.00073.x>
- Ross, J. (2008). *Parental attachment, interparental conflict, and late adolescents' emotional adjustment: The associations with social functioning*. Fordham University.
- Rubin, K. H., Bukowski, W. M., Parker, J. G., & Bowker, J. C. (2008). Peer interactions, relationships, and groups. *Child and adolescent development: An advanced course*, 141-180. <https://doi.org/10.1002/9780470147658.chpsy0310>
- Salavati, S., & Shokri, O. (2015). A psychometric analysis of the children appraisals of inter parental conflict scale. *Developmental Psychology: Iranian Psychologist*, 44, 379-390. [In Persian].
- Sanaeepur, M. H., Royaei, Z., & Gharetappeyei, Z. (2016). Psychometric Properties of the Emotional Adjustment Measure among Iranian Students. *Quarterly of educational measurement*, 7(23), 77-97. [In Persian] <https://doi.org/10.22054/jem.2016.5737>.
- Sánchez-García, M. d. l. Á., Lucas-Molina, B., Fonseca-Pedrero, E., Pérez-Albéniz, A., & Paino, M. (2018). Emotional and behavioral difficulties in adolescence: Relationship with emotional well-being, affect, and academic performance. *Anales de Psicología*, 34(3), 482-489. <https://doi.org/10.6018/analesps.34.3.296631>
- Schoeps, K., Mónaco, E., Cotoí, A., & Montoya-Castilla, I. (2020). The impact of peer attachment on prosocial behavior, emotional difficulties and conduct problems in adolescence: The mediating role of empathy. *PloS one*, 15(1), e0227627. [10.1371/journal.pone.0227627](https://doi.org/10.1371/journal.pone.0227627)
- Singh, P., Edbor, A., & Dhingra, J. S. (2017). Home, health, social and emotional adjustment among first year college going students. *Global journal for research analysi*, 6(3), 100-103.
- Smart, D., & Sanson, A. (2003). Social competence in young adulthood, its nature and antecedents. *Family Matters*, (64), 4-9.
- Starr, L. R., Davila, J., Stroud, C. B., Clara Li, P. C., Yoneda, A., Hershenberg, R., & Ramsay Miller, M. (2012). Love hurts (in more ways than one): Specificity of psychological symptoms as predictors and consequences of romantic activity among early adolescent girls. *Journal of Clinical Psychology*, 68(4), 373-381. [10.1002/jclp.20862](https://doi.org/10.1002/jclp.20862)
- Tani, F., Pascuzzi, D., & Raffagnino, R. (2018). The relationship between perceived parenting style and emotion regulation abilities in adulthood. *Journal of Adult Development*, 25(1), 1-12. <https://doi.org/10.1007/s10804-017-9269-6>
- Teodoro, M. L. M., K  ppler, K. C., de Lima Rodrigues, J., de Freitas, P. M., & Haase, V. G. (2005). The Matson Evaluation of Social Skills with Youngsters (MESSY) and its adaptation for Brazilian children and adolescents. *Revista Interamericana de Psicología/Interamerican Journal of Psychology*, 39(2), 239-246.
- Theurel, A., & Gentaz, E. (2018). The regulation of emotions in adolescents: Age differences and emotion-specific patterns. *PLoS One*, 13(6), e0195501. [10.1371/journal.pone.0195501](https://doi.org/10.1371/journal.pone.0195501)
- Turner, H. A., & Kopiec, K. (2006). Exposure to interparental conflict and psychological disorder among young adults. *Journal of Family Issues*, 27(2), 131-158. <https://doi.org/10.1177/0192513X05280>
- Zinsser, K. M., Gordon, R. A., & Jiang, X. (2021). Parents' socialization of preschool-aged children's emotion skills: A meta-analysis using an emotion-focused parenting practices framework. *Early Childhood Research Quarterly*, 55, 377-390. <https://doi.org/10.1016/j.ecresq.2021.02.001>